



این فایل در انجمن و سایت ناول کافه تهیه و منتشر شده است و تمامی حقوق این اثر نزد ما محفوظ است. برای خواندن رمان های بیشتر به سایت، انجمن و کانال تلگرام ما مراجعه کنید.

لینک سایت:

www.novelcafe.ir

لینک انجمن:

www.forum.novelcafe.ir

کانال تلگرام:

https://t.me/novelcafe_ir

بسم النور

[دردواژه]

سروده آرزو عباسی (پاییزه)

ویراستار: مهدیه محمدیان

مقدمه:

مهربانا! دیده پر درد است و دلها دربه در

گر بیابد دهر فرصت، خون بریزد از جگر

التماس یا مجیرم سوی عرش کبریاست

غرق تقصیرم خدایا یک دمی بر من نگر...

آرزو عباسی (پاییزه)

هوایِ دلم، پر از دلتنگی است!

کسی شبیه هیچ کس؛

پشتِ شیشه‌های بی کس،

تلنگر می‌زند

بر احساس تنهایی‌ام؛

تلنگری از جنس عشق!



آه...آه

داغِ خاطره‌های نیامده

بر دلم مانده است!

تا کی

انتظار دیدار تو

سهم نگاه من است؟

امروز هم فرصت نشد

آخر بخوانم من؛

غم نامه‌ی چشمان مستت را

در خلوت تنهایی و در بی‌کسی‌هایم

امروز هم فرصت نشد، افسوس

تا بشکنم

بغضی که عمری در گلو درگیر خاموشی‌ست...

امروز هم می‌شد بگویم دوستت دارم

فرصت ولی یاری نکرد و غم

بار دیگر

خون بر دلم بارید.

"لعنت به دلم که با نگاهی دل بست"
لعنت به تو که دلم ترک خورد و شکست
تنها هدفت اگر که آزدن بود
خوش باش که قلب من دگر آزرده است...

مثل مرغی خسته
مانده بر پنجره‌ی باز اتاق...
مثل رنجی مبهم!
مثل اشکِ مهتاب...
مثلِ حسِ تلخ و حالِ پرستو در باد
بی‌گمان محنت تو بی‌حد است.
مثلِ روحی که به تنگ آمده در حسرت و اندوه مدام
مثلِ تعمید بشر در مرداب
مثلِ اشکی تلخ و...
مثلِ داغی پنهان!
آخرین رنج دلم را امشب
می‌کشم با فریاد
هر چه بادا باد...



بوی عطش می آید!
اندوه پیری
چمباته زده بر گلوی شهر...
در آسمان دلتنگی
ابر غمگینی
مانده بی تاب باران...
غصه های بی ناله
چنگ می زنند
بر انتهای
کوچه های بی کسی...
اینجا،
ترک برمی دارد آئینه،
از بازتاب دل های عطش زده،
در حسرت جرعه ای عشق!

افسوس به سوهان فلک سوده شدیم!
با حسرت و غم از ازل آلوده شدیم!
دردا و دریغا که در این دور عبث...
هر روز که رفت سخت فرسوده شدیم.



حرف من تکراریست
حرف من باز همان
قصه‌ی تنهایی‌هاست...
آسمان دلگیر و
ابرها بی باران...
بغض‌ها بنشسته
در پسِ حنجره‌ها
بوی نایِ هر زخم
از دل و عمق غزل‌ها جاریست...
روزگاری که غریب است و
چرخ ایام
دوره‌ایش همگی تکراریست...

آن کیست که آسوده رها زیست، بگو؟
وارسته و خوشنود دلی کیست، بگو؟
خلقی همه در میان غم، سرگشته!
عالم همه درگیر اسیریت، بگو!

آواره و بی‌پناه و حیران هستیم!
آزده‌دل از نسیم و طوفان هستیم!
گشتیم و نبود در همه گردون عشق...
سرگشته و درمانده و نالان هستیم!

"باران که می‌بارد دلم، یک‌باره غوغا می‌شود"
نقش خیالت در دلم، انگار که رویا می‌شود
از بس تلنگر می‌خورد این جانم، از باد خزان
این بغض گنگ و رام من، دردا که بلوا می‌شود!
در وادی خسران عشق، این دل به جایی ره نبرد
از بخت من، این دیده‌ام، سیلاب غم‌ها می‌شود
سال‌هاست که تپیا می‌خورد جان و دلم، با سنگِ غم
در شعرِ من هم این غزل، درد و دریغا می‌شود!
بغضِ تمام واژه‌ها، یارای باریدن نداشت
گویی تمام حرف من، اما و آیا می‌شود!

رویای داشتن‌ات،
پیچکی‌ست بر دیوار دل...



واژه واژه‌های انتظار،
بال گشوده‌اند
بر فراز خیال چشمان‌ات...
ولی
ساز ناکوک می‌زند
باغچه‌ی محبت‌ات!
مرثیه‌ی سقوط آرزو
از بام خاطره‌ها،
به گوش می‌رسد...
و احساس دلتنگی،
در اندوه دل
به تماشاست...

آسمانم در بهاری، مه گرفت از دست غم!
محو تاریکی و ظلمت شد زمان، هم‌دستِ غم!
موجِ غم‌ها لرزه‌ای انداخت بر دریای دل...
غرقه در دریایِ خون شد این دلم از دست غم.

آهای آسمانِ دلگیر،



شاهد باش که چگونه
تن من زخمی از باد خزان شد!
پرسه زد
در گوشه گوشه‌ی روح خسته‌ام
تلخ‌ترین غم دنیا...
غم نبودن تو شبیه این آسمان گرفته
بر سرم سایه انداخت.
نیستی و زندگی با من
سخت‌تر از آن چیزی‌ست که باید باشد!
احساسم، زیر پای هزاران درد، رنگ باخت.
من برای معجزه‌ای
مثل تکرار تو در همه‌ی ثانیه‌ها منتظرم
تا آرامشی باشد بر آشوب لحظه‌هایم.

دیربست از نحسی جاذبه‌ی تقدیر،
در سلول انفرادی زندگی،
محکوم به حبس ابدم!
بیهوده از پی رهایی رفتم و
حتی
گم کردم
راه خروج قفس را



دیگر در بسترِ سردِ اسارت

نخواهم چشید

طعمِ آغ*وشِ عشق را.

بزن باران نمی‌دانی چه آتش‌ها، ز تب دارم!

ببار ای دیده تا بینی چه زاری‌ها، به شب دارم!

در این دریای طوفانی، چه آتش‌ها به جان افتاد...

چو نوح اندر مصائب‌ها، ز رب ایمان طلب دارم!

مگر ای دل، چه‌ها دیدی در این دنیای بی‌حاصل؟

چنین از رنجش‌ات گشته؛ خوشی‌ها از برت زایل!

به هر آهی که در هر دم، از این ماتم‌سرا آید

عجب دارم خدا را هم از این پاسخ به این سائل!

پایان

این فایل در انجمن و سایت ناول کافه تهیه و منتشر شده است و تمامی حقوق این اثر نزد ما محفوظ است.
برای خواندن رمان‌های بیشتر به سایت، انجمن و کانال تلگرام ما مراجعه کنید.

لینک سایت:

www.novelcafe.ir

لینک انجمن:



www.forum.novelcafe.ir

کانال تلگرام:

https://t.me/novelcafe_ir